

**۱۰ به عنوان اولین سؤال از پیام رهبر انقلاب اسلامی در پی رحلت ایشان شروع می‌کنیم. در بخشی از پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آمده است: «ایشان استادی بزرگ در حوزه علمیه قم بودند». لطفاً تاریخچه‌ای از تدریس ایشان بفرمایید.**

–ایشان در حوزه نجف مشغول به تدریس سلع بودند و برخی از معارف حوزه نظیر آیت‌الله شیخ محسن ارآکی در نجف شاگرد ایشان بوده‌اند. از اوائل انقلاب که ایشان به ایران برگشتند، گویا مرحوم امام رضوان‌الله‌تعالی علیه به ایشان تأکید فرمودند که تدریس و فعالیت‌های علمی را با جدیت ادامه دهند و در فعالیت‌های سیاسی مقدم بدانند. ایشان درس خارج را از حدود سال ۵۹ در حوزه علمیه قم شروع کردند. درس ایشان تا قبل از پذیرش ریاست قوه قضائیه به زبان عربی برگزار می‌شد، است. در دوران ریاست قوه قضائیه، یعنی حدود ۱۰ سال، در تهران درس داشتند که البته با توجه بهاشغالات قوه قضائیه یک مقدار کمترنکر بوده است. از سال ۸۸ که با پایان مسئولیت قوه به قم بازگشتند، یسکی از پرجمعیت‌ترین و البته قوی‌ترین و غنی‌ترین درس‌های قم را آغاز کردند که تا سال‌ها گذشته و شدت کسالت ایشان ادامه داشت. در مجموع شاید بیش از دو یا سه هزار نفر شاگردی ایشان را کرده‌اند و در لیستی که سابقاً از سوی دفتر ایشان منتشر شده بود نام بیش از صد نفر از چهره‌های شاخص ذکر شده است؛ از جمله آقای سید حسن نصرالله، البته بعضی از آقایان که در حوزه خیلی مبرز هم هستند شاید در درس رسمی و عمومی نبوده‌اند اما از درس‌های خصوصی و گه‌گاهی ایشان خیلی استفاده برده‌اند.

غیر از همکاری‌های علمی مهم با مجموعه‌های نظام مثل شسورای نگهدمان که نقش برجسته‌ای برای ایشان در وضع و اصلاح قوانین رقم زده و مباحثات ارزشمند فقهی با حضور آیت‌الله خامنه‌ای، مجله «فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام» را راه‌اندازی کردند.

**۱۰ جلسه درس ایشان چه ویژگی‌هایی داشت؟**

– همه می‌گویند که ایشان از جهت علمی واقعاً طراز اول بودند. اما چند نکته در این خصوص گفتنی است.

نکته اول اینکه ایشان به لحاظ قوت ذهن و هوش، واقعاً خاص بودند. گویا مرحوم شهید صدر (رض) که به نبوغ و خارق‌العادگی هوش و ذکاوت شهره بوده‌اند در مورد ایشان بر وزان «فلسفتنا» و «اقتصادنا» و «ابیتنا» فرموده بودند و تنها کسی که از شهید صدر اجازه کتبی اجتهاد داشت، ایشان بود. جناب حجت‌الاسلام خطیب که ارتباط خیلی نزدیکی با شهید بزرگوار داشته‌اند نقل می‌کردند که در مورد آیت‌الله شاهرودی می‌فرمودند: «السَّيِّدُ مُحَمَّدٌ عُنَاوُنُ وُجُودِی» یا «عنده ما عندی» یا «ما صُدِّرَ عنه صدر عتّٰی» این خیلی عجیب است که مرجعی مثل شهید صدر با آن وزن علمی در مورد جوانی که کمتر از سی سال سن داشته است فرمایند «او آینه وجود من است» و «هر چه پیش من هست، او هم دارد» یا «هر چه او بگوید حرف من است!»

نکته دوم اینکه این نبوغ یا یک تلاش و پرکاری عجیب همراه شده بود؛ چه در زمان تحصیل و چه تدریس و مرجعیت.

یکسی از نکات درس آموز برای طلاب جوان این بود که ایشان از شرایطی که خداوند در اختیارشان قرار داده بود حقیقتاً بهره‌برداری کردند. من خودم را با ایشان مقایسه می‌کنم. کل مدت ارتباط ایشان با شهید صدر خیلی بیش از همین ۸ یا ۹ سال ارتباط ما با ایشان نبوده، شاید حدود ۱۰ یا ۱۱ سال. اما در زمان تحصیلشان واقعاً مطمئن و ملازم استاد بوده‌اند و این همه پیرمرد شدند و یکی از پرکات آن ارتباط، مجموعه «بحوث فی علم الاصول» شد. اما من واقعاً قدرشناسی نکردم. گویی خیال می‌کردم این نعمت، همیشه هست! و چه زود رفتا و پاسخگویی در پیشگاه خدا نسبت به این نعمت‌ها سخت است.

این ویژگی‌ها در ایشان در بردن هم مشهود بود و واقعاً برای درسشان زحمت می‌کشیدند. به ذهنم هست که فرزند ایشان می‌گفتند شب‌ها استراحت ندارند و تا سحر مشغول مطالعه هستند. البته ظاهراً مربوط به نیمه اول سال و فصل کوتاهی شب‌ها بود. این حالی بود که تندخوان بودند و خداوند به وقتشان برکتی داده بود که مثلاً صدها و بعضاً چند هزار صفحه را خیلی زود و با دقت ملاحظه و اصلاح می‌فرمودند. کاری که واقعاً معجز العقول بود. ما که جوانیسم و خیلی مورد مراجعه هم نیستیم گاهی یک رفیق و هم بحث، نوشته‌ای را می‌دهد و چه بسا ماها می‌گذرد و توفیق نمی‌شود بخوانیم. اما ایشان با آن همه‌اشغالات مربوط

### این خیلی عجیب است که مرجعی مثل شسپهید صدر با آن وزن علمی در مورد جوانی که کمتر از سی سال سن داشته است (آیت‌الله شاهرودی) بفرمایند: «او آینه وجود من است» و «هر چه پیش من هست، او هم دارد» یا «هر چه او بگوید حرف من است!«

به مسئولیت‌های نظام و دو درس چند صد نفره و پرمتحوان آن هم در سن حدود هفتاد سالگی، کافی بود طلبه‌ای نوشته‌ای مثلاً تقریراتش را به ایشان بدهد، خیلی زود مطالعه و تقریباً ویرایش هم می‌فرمودند! به هر حال درسشان به لحاظ محتوا و نقل آراء بزرگان بسیار خوب و جامع بوده آن هم جامعیتی متعادل. ایشان از جهت دقت، جامعیت، نوآوری، نظم منطقی مطالب و جمع‌بندی مطالب، شاید بالاترین معدل را داشت. بجمدهالله درس فقه را با قلم خودشان می‌نوشتند و به موقع می‌چاپ می‌شد و این ادعای حقیر، براحتی قابل ارزیابی است.

نکته سوم که ایشان را تا حد زیادی در میان مراجع و بزرگان حوزه ممتاز می‌کرد این بود که سن پایین‌تری داشتند و نسبتاً جوان و سرحال بودند. این قوت و نشاط جوانی و حدّت ذهن (تژیوهوش) و بیان سریع، خیلی ایشان را قابل استفاده‌دهی می‌کرد. به همین جهت شاید مهم‌تر از کلاس درس ایشان، گه‌گاهی علمی‌شان بود. گه‌گاهی که با توجه به سرعت انتقال ذهن و سرعت تکلم و حضور ذهن ایشان، خیلی خاص و ربرابر بوده است.

**۱۰ از نحوه ارتباط ایشان با شاگردانشان برای ما بگویید.**

– روحیه شاگردپروری و عطفوت و مهربانی در اساتیدی که فقط در حوزه هستند و محدودیت‌های حفاظت و جایگاه خاص ریاست و شون مرجعیت را ندارند، گرچه فضیلت مهمی است ولی نادر و غریب نیست. اما این روحيات در مورد ایشان با توجه به شرایط خاصشان نمود پیدا کرد. کسی که همنشین و هم‌بحث رهبر انقلاب اسلامی بود و در جلساتی بر رؤسای سه قوه ریاست داشت، اما کاملاً محسوس بود که نشنستن با طلاب که بعضاً زیر ۲۵ سال سن داشتند و بحث علمی با آنها پرایشان تنفسی بود که روحشان را تازه می‌کرد! این تواضعشان ستودنی بود. بین دو درس برای پاسخگویی به سوّالات و اشکالات با اینکه طبعاً راحت‌تر بودند همچنان روی منبر بنشینیدند اما در این صورت نباید استاد را تشخیص نمی‌داد.

به هر صورت ایشان برای پاسخگویی، از منبر پایین می‌آمدند و خیلی صمیمی روی زمین کنار طلبه‌ها می‌نشستند یا همان لیخند دلشین با یک صمیمیتی برخورد می‌کردند و طلبه‌ها گرد وجود ایشان حلقه می‌زدند.

دو ساعت درس سنگین گفتن پشت سرر هم در سن حدود ۷۰ سالگی انرژی می‌برد و طبیعی بود که بین دو درس چیزی میل کنند، بعد همراه گفتن یک لیوان آب می‌آورد که گلویشان خشک نشود. فضا از طسلباً گفتند لاقال یک جای بیابورد، حاج‌آقا فرمودند «خیر، چون اینجا امکان جای دادن به همه فراهم نیست» به هر حال با همان لیخند و با مزاح و با یک صفا و صمیمت خاصی و البته با دقت فراوان به سوّالات مختلفی که می‌شد جواب می‌دادند، این گفت‌وگوهای صمیمانه خیلی خاطرانگیز و دلنشین بود.

وقتی احساس می‌کردند طلبه‌ای مستعد و زحمتکش است و درس را خوب می‌فهمد و سوّالات جدی‌تری دارد خیلی اظهار لطف و محبت می‌فرمودند و پدرانه و دلسوزانه پیگیری رشد او بودند و رصد می‌کردند. یک بار به بعضی شاگردانشان که نسبت به اخذ مدرک تحصیلی پیگیری نبودند، اعتراض کردند و فرمودند که چه بسا افرادی که به لحاظ علمی پایین‌تر هستند، جایگاه‌های مهم را اشغال می‌کنند و شما توفیق خدمت را از دست می‌دهید. به هر صورت در این روحیه هم وارث استاد شهیدشان بودند. شهید صدر هم مثل پدر و بلکه مهربان‌تر از پدر با شاگردانشان برخورد می‌کردند.

به مسئله معیشت و مشکلات مالی طلاب توجه داشتند و با مراجعه‌کنندگان که گاهی درخواست‌های غیرمنطقی هم داشتند خیلی بزرگوارانه و کریمانه رفتار می‌کردند.

البته در مقام گفت و شنوند و بحث با شاگردان شاید یک ایراد به ایشان وارد بود و آن اینکه به جهت حدّت ذهنشان و زحمتی که قبلاً روی مباحث کشیده بودند وقتی نظری را انتخاب می‌کردند خیلی تصلب بر آن داشتند، یعنی نمی‌شد اریشان را عوض کرد.

### معارف Maaref@Kayhan.ir

این بود که این‌طور روزی دو بار موفق به تشرف به حرم بی‌بی فاطمه معصومه(س) می‌شویم! بنده گفتن شما قبول کنید، این جمع ان‌شاءالله هر روز یک سلام هم به نیابت از شما می‌دهند، بالاخره پذیرفتند. خدا من را ببخشند معمولاً فراموش می‌کردم!

شبه‌های جمعه، یک روزه مختصر در دفتر برگزار می‌شد. روزه‌های محرم و صفر ایشان هم که معروف بود و خود ایشان خیلی به این مجالس تعلق خاطر داشتند و بخصوص روزه مشهود را مورد عنایت خاص و موجب جلب لطف حضرات معصومین (ع) به خودشان می‌دانستند. موقع ذکر مناصب اهل‌بیت با تمام وجود می‌سوختند و گریه‌های ایشان خاطرانگیز بود. حتی همین دو ماه قبل، علیرغم کسالت بسیار شدید، اصرار داشتند خودشان را به روزه مشهود برسانند که البته اطباء موافقت نکردند.

به هر حال ایشان در نوجوانی یتیم شدند و بر خلاف نظر عموهایشان وارد عالم طلبگی و پس از آن تقریباً غریب شدند و تا آخر عمر سر آن عهد سرسرابی و نوکری برای امام عصر (عج) ماندند و همین توسّلات و تضرعات و گدایی در خانه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بود که ایشان را

<p><b>مرحوم آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی</b> از شخصیت‌های برجسته و فقیهی بود که در حوزه علمیه نجف جزو شاگردان خاصی <b>شهد سید محمد باقر صدر</b> و <b>امام خمینی</b> محسوب می‌شد. آن <b>مرحوم پس</b> از <b>پیروزی انقلاب اسلامی</b> به <b>ایران می‌آید</b> و در <b>قم</b> <b>کلاس درس خارج فقه</b> برای <b>طلاب</b> برگزار می‌کند. <b>روحیه شاگرد پروری و عطفوت و مهربانی و پر کاری و جدید</b> در <b>درس و بحث و تحقیق، تواضع و ادب فوق‌العاده، نبوغ و خارق‌العادگی هوش و ذکاوت و اعتدال در رفتار و گفتار</b> از <b>ویژگی‌هایی</b> بود که از <b>آیت‌الله شاهرودی</b> شخصیتی با <b>تراز علمی و اخلاقی</b> بالا ساخته بود.</p>
<p><b>آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی</b> <b>یادگاہ اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی حسینی</b> یکی از شاگردان نزدیک <b>آیت‌الله شاهرودی</b> است که در آن <b>گوشه‌هایی از ابعاد شخصیت اخلاقی و علمی ایشان</b> تبیین شده است.</p>

## بررسی ابعاد شخصیت علمی و اخلاقی آیت‌الله هاشمی شاهرودی در گفت‌وگو با یکی از شاگردان ایشان

# فقیه نابغه

# نابغه

به اینجا رساند.

صد روز هر نظر لطف بوتربار کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

وقتی احساس می‌کردند طلبه‌ای مستعد و زحمتکش است و درس را خوب می‌فهمد و سوّالات جدی‌تری دارد خیلی اظهار لطف و محبت می‌فرمودند و پدرانه و دلسوزانه پیگیری رشد او بودند و رصد می‌کردند. یک بار به بعضی شاگردانشان که نسبت به اخذ مدرک تحصیلی پیگیری نبودند، اعتراض کردند و فرمودند که چه بسا افرادی که به لحاظ علمی پایین‌تر هستند، جایگاه‌های مهم را اشغال می‌کنند و شما توفیق خدمت را از دست می‌دهید.

**۱۰ یکی از نکاتی که درباره جلسات و مباحث درس خارج فقه ایشان مطرح می‌شد، موضوعات این دروس بود. از موضوعات جدید و مسائل کلان مربوط به نظام و حکومت گرفته تا مسائلی چون اجاره و خمس و زکات و نماز. به عنوان یکی از شاگردان این فقیه عالیقدر، قدری درباره موضوع و مضمون دروس مرحوم آیت‌الله شاهرودی برای مخاطبان شرح دهید.**

–ایشان به نیازهای فقهی روز اهتمام داشتند اما حقیقت این است که آنچه در درس خارج، بیش از هر چیز اصالت دارد آموزش است نه تحقیق و پژوهش. درس خارج تدریس و تمرین فن اجتهاد است و برای تحقق این هدف، مباحثی مناسب است که پیشتر، علما به آنها پرداخته‌اند و متن و محتوای مناسبی در اختیار مطالعه و کار عموم طلاب درس خارج مهیا باشد. موضوعات بحث‌ها و مسائل جدید، برای این هدف مناسب نیستند. با این وجود ایشان پیش از ریاست قوه با توجه به علاقه و اشتیاق‌شان به مباحث اقتصادی، مدتی بحث‌های جدیدی را که در ترسیم یک نظام اقتصادی اسلامی قابل استفاده بودند شروع کردند. گویا در آن درس‌ها فقط دو نفر که البته امروز از اساتید مبرز حوزه هستند شرکت می‌کردند. اما شاید به همان دلیل که عرض شد، تجربه خیلی موفقی از آن بیرون نیامد و ادامه پیدا نکرد.

### مرحوم شهید صدر (رض) که به نبوغ و خارق‌العادگی هوش و ذکاوت، شسپهره بوده‌اند در مورد ایشان بر وزان «فلسفتنا» و «اقتصادنا» و «ابیتنا» فرموده بودند و تنها کسی که از شهید صدر اجازه کتبی اجتهاد داشت، ایشان بود.

هدف مناسب نیستند. با این وجود ایشان پیش از ریاست قوه با توجه به علاقه و اشتیاق‌شان به مباحث اقتصادی، مدتی بحث‌های جدیدی را که در ترسیم یک نظام اقتصادی اسلامی قابل استفاده بودند شروع کردند. گویا در آن درس‌ها فقط دو نفر که البته امروز از اساتید مبرز حوزه هستند شرکت می‌کردند. اما شاید به همان دلیل که عرض شد، تجربه خیلی موفقی از آن بیرون نیامد و ادامه پیدا نکرد.

## عظمت اخلاقی چیست؟

خدا در قرآن، پیامبر(ص) را به «خلق عظیم» ستوده است. وآنک **لَعَلَّی خُلِقَ عَظِیْمٌ**؛ و به راستی که همانا تو بر خلق عظیم هستی. (قلم، آیه ۴)

البته خلق عظیم پیامبر(ص) معظمت خلوقه عظیم یعنی خداوند است، چرا که خود را برای چیست؟ وراه عظیم از عظم به معنای استخوان اما مراد از عظیم چیست؟ وراه عظیم از عظم به معنای استخوان گرفته شده است. از همین روست که هر چیزی که دارای استواری و استحکام است، به عظیم و عظمت می‌نمایند؛ زیرا نرم‌تان فاقد استخوان، به طور طبیعی قدرت ایستادن و ایستادگی را ندارند. بنابراین، وقتی سخن از عظمت کسی می‌شود، به معنای آن است که او از استخوان‌بندی محکم و استوار برای هر کاری یا چیزی برخوردار است.

پس خلق عظیم زمانی است که یک آدم خلقتی و خلقتی دارای استخوان‌بندی و استواری و استحکام باشد. بنابراین، وقتی از خلق عظیم پیامبر(ص) سخن به میان می‌آید یعنی آن صف و فضیلت، و چنان در شخص وجود یافته است که نه تنها جزو خلقت و طبیعت

به هر صورت به نظر می‌رسد موضوعات جدید باید ابتدا در قالب مقالات و گنده‌های فقهی، بررسی شوند و تدریجاً وقتی محتوای قابل قبول و گسترده‌ای برای بحث مهیا شد می‌توان در دروس خارج به آنها پرداخت. حضرت استاد هم در این مسیر گام‌های خوبی برداشتند. غیر از همکاری‌های علمی مهم با مجموعه‌های نظام مثل شسورای نگهدمان که نقش برجسته‌ای برای ایشان وضع و اصلاح قوانین رقم زده و مباحثات ارزشمند فقهی با حضور آیت‌الله خاانه‌ای، مجله «فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام» را راه‌اندازی کردند که واقعاً وزین است و تاکنون صدها اثر از ففلا و بعضاً مراجع تقلید و علمای بزرگ حوزه و حتی رهبر معظم در مورد موضوعات روز منتشر شده است. آثار شخص استاد در این مجله هم حقیقتاً مایه مباحثات خوش است و مجموعه‌ای از آنها در کتاب «قرآات فقهیّه معاصره» به چاپ رسیده است.

علاوه‌بر این، مرحوم استاد پروژه عظیم «انوارالمعارف فقه» را که یک کار بسیار بزرگ و فوق‌العاده ارزشمند است کلید زدند و تاکنون حدود ۳۰ جلد اثر فاخر نگاشته شده و احتمالاً مجموعه آن به ۸۰ یا ۹۰ جلد برسد. این کار را در صورت نهایی شدن می‌توان یک انقلاب در امر توسعه و تسهیل پژوهش‌های فقهی قلمداد کرد.

**۱۰ آیا ایشان هم مانند شهید صدر در راه اصلاح متون آموزشی حوزه اقداماتی انجام دادند؟**

–حقیقت این است که بعد از اینکه کوشش ارزشمند و تقریباً شاهکار شهید صدر در تألیف «حلقات» با بی‌مهتری تصمیم‌گیران مواجه شد، ایشان با تحلیلی نسبت به این قضیه و عوامل عدم استقبال حوزه چند گام برداشتند.

یکی در راستای تکمیل کار شهید صدر در «حلقات» بود. از مهم‌ترین ایرادات تصمیم‌گیران حوزه نسبت به «حلقات» این بود که دروس خارج اصول مبتنی بر نظم «کفایه» است و نظم متفاوت «حلقات» یک مشکل است. ایشان برای برطرف کردن این مشکل، «حلقات» را با تیوب متعارف در حوزه تنظیم فرمودند و البته توضیحات و مطالب تکمیلی خوبی هم به آن اضافه کردند و چاپ شد. البته شهید خودشان هم قبول داشتند که ترتیب انتخابی شهید صدر یک مزیت بود.

اقدام دوم را می‌توان به عنوان تنظیم یک متن مبنا برای مطالعه درس خارج فقه ارزیابی کرد که عبارت است از «جواهر الکلام فی توبه الجدید» که با روشی ابتکاری به ساده‌سازی عبارات «جواهر» برای مطالعه طلاب پرداخته است.

کار سوم که از دل اقدام دوم بیرون آمد و البته هنوز تمام نشده، تدوین متنی به عنوان جایگزین لمعه با همکاری گروهی در مشهد است که با نام «فقه الجواهر» تاکنون ۶ جلد آن چاپ شده است. ایشان به این کار خیلی امیدوار بودند و می‌فرمودند چون مطالب آن از خود «جواهر» به عنوان یک اثر فاخر و مورد اتفاق همه فقه‌ا گزینش و بازنویسی می‌شود، به‌زودی جای خود را بازخواهد کرد. امیدواریم که آن کار هم زودتر به نتیجه نهایی برسد.

**۱۰ تأثیرگذارترین فعالیت ایشان در این زمینه مباحث فقه و اصول چه بوده است؟**

– شاید اثرگذارترین کار ایشان، همین تقریرات درس اصول شهید

### آیت الله هاشمی شاهرودی بعد از درس به زیارت حضرت معصومه(س) مشرف می‌شدند. علی‌رغم همه اشتغالاتی که داشتند، مثل طلبه‌ای که تازه پا به حوزه گذاشته و هیچ دغدغه‌ای جز درس و عبادت و توسل ندارد، با یک خشوع و حال خوشی به عبادت و زیارت و نماز و دعا می‌پرداختند و از هر چه که غیر این مسائل بود منقطع می‌شدند. طبق نقل یکی از دوستانشان، به نوافل یومیه حتی نوافل ظهر و عصر که برای شخصی با این سن و این همه اشتغالات، سنگین و وقت‌گیر به نظر می‌رسد مقید بودند و البته همین چیزهاست که به وقت انسان برکت می‌دهد.

به اینجا رساند.

صد روز هر نظر لطف بوتربار کند

وقتی احساس می‌کردند طلبه‌ای مستعد و زحمتکش است و درس را خوب می‌فهمد و سوّالات جدی‌تری دارد خیلی اظهار لطف و محبت می‌فرمودند و پدرانه و دلسوزانه پیگیری رشد او بودند و رصد می‌کردند. یک بار به بعضی شاگردانشان که نسبت به اخذ مدرک تحصیلی پیگیری نبودند، اعتراض کردند و فرمودند که چه بسا افرادی که به لحاظ علمی پایین‌تر هستند، جایگاه‌های مهم را اشغال می‌کنند و شما توفیق خدمت را از دست می‌دهید. به هر جهت اخلاق و خوشرویی ایشان شیفته و علاقه‌مندشان شده. به هر صورت این خصلت نوری خیلی برای یک روحانی مهم است. نکته دوم تواضع و ادب فوق‌العاده ایشان بود که نهمه‌هایی از آن را عرض کردم. یکی از دوستان می‌گفت در جلسه‌ای که بنا بود جمعی از طلاب خدمت رهبر انقلاب معمم شوند، رهبری برای گذاشتن علامه‌ها ایستادند، طبعاً بقیه نشستند، اما مرحوم استاد با وجود اصرار رهبری، حاضر نشدند بنشینند! چون ایشان ایستاده بودند.

نکته سوم تقید و اهتمام ایشان به امر توسل و تضرع بود. در این ۹-۸ سال، درس هر روز با یک توسل کوتاه به حضرت ولی‌عصر(ارواحنا فداه) شروع می‌شد، ایشان با یک حال خوشی روی زمین می‌نشستند و دعا را زیر لب زمزمه می‌کردند و به این فراز «بیعه فی رقتی» که می‌رسیدند تسبیح دستور روایت، دستشان را به نشانه تجدید بیعت با حضرت به هم می‌زدند. هر دفعه بعد از دعا که بلند می‌شدند، با یک محبت خاصی از خواننده دعا تشکر می‌کردند و مشخص بود که در همان چند دقیقه‌های که نام شریف حضرت برده می‌شد، ارتباط خوبی برقرار می‌کردند و این توسل اول درس، برای طلاب هم معتقد بود و شایسته حضرت بود.

نکته دوم تواضع و ادب فوق‌العاده ایشان بود که نهمه‌هایی از آن را عرض کردم. یکی از دوستان می‌گفت در جلسه‌ای که بنا بود جمعی از طلاب خدمت رهبر انقلاب معمم شوند، رهبری برای گذاشتن علامه‌ها ایستادند، طبعاً بقیه نشستند، اما مرحوم استاد با وجود اصرار رهبری، حاضر نشدند بنشینند! چون ایشان ایستاده بودند.

نکته سوم تقید و اهتمام ایشان به امر توسل و تضرع بود. در این ۹-۸ سال، درس هر روز با یک توسل کوتاه به حضرت ولی‌عصر(ارواحنا فداه) شروع می‌شد، ایشان با یک حال خوشی روی زمین می‌نشستند و دعا را زیر لب زمزمه می‌کردند و به این فراز «بیعه فی رقتی» که می‌رسیدند تسبیح دستور روایت، دستشان را به نشانه تجدید بیعت با حضرت به هم می‌زدند. هر دفعه بعد از دعا که بلند می‌شدند، با یک محبت خاصی از خواننده دعا تشکر می‌کردند و مشخص بود که در همان چند دقیقه‌های که نام شریف حضرت برده می‌شد، ارتباط خوبی برقرار می‌کردند و این توسل اول درس، برای طلاب هم معتقد بود و شایسته حضرت بود.

نکته دوم تواضع و ادب فوق‌العاده ایشان بود که نهمه‌هایی از آن را عرض کردم. یکی از دوستان می‌گفت در جلسه‌ای که بنا بود جمعی از طلاب خدمتشان رفیقیم تا متقاعدشان کنیم که هر دو درس را پشت سر هم صحیح بفرمایند. ایشان اول مقاومت کردند و دلیل همیشان

به اینجا رساند.

صد روز هر نظر لطف بوتربار کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

وقتی احساس می‌کردند طلبه‌ای مستعد و زحمتکش است و درس را خوب می‌فهمد و سوّالات جدی‌تری دارد خیلی اظهار لطف و محبت می‌فرمودند و پدرانه و دلسوزانه پیگیری رشد او بودند و رصد می‌کردند. یک بار به بعضی شاگردانشان که نسبت به اخذ مدرک تحصیلی پیگیری نبودند، اعتراض کردند و فرمودند که چه بسا افرادی که به لحاظ علمی پایین‌تر هستند، جایگاه‌های مهم را اشغال می‌کنند و شما توفیق خدمت را از دست می‌دهید.

به هر حال، عظمت اخلاق‌شان در آن است که هر خلق و خوی نیکی در انسان به عنوان استخوان‌بندی ذاتی شخص در آید، در غیر این صورت آن خلق عظیم نخواهد بود.

### چراغ راه

**عمل به احکام شاخص شیعه بودن**
**قال رجل لامرأته: اذهبی الی فاطمه(س) فاسألها انی من شیعتکم؟...**
**فقالت علیها السلام: قولی له: ان کنت تعمل بما امرناک و تنتهی عما جزناک عنه فانک من شیعتنا و الا فلا...**
**شخصی به زنت گفت: فاطمه زهرا(س) برو و بپرس: آیا من از شیعیان (اهل بیت) هستم؟ زن آمد و پرسید، حضرت زهرا(س) در پاسخ فرمود: به همسرت بگو: اگر به آنچه تو را فرمان داده‌ایم عمل می‌کنی و از آنچه نپهی کرده‌ایم پرهیز نموده‌ای از شیعیان خواهی بود و در غیر این صورت از شیعیان نیستی»<sup>(۱)</sup>**

۱- عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۹۰۶

### حکایت خوبان

**به فکر دیگران و ترجیح بعد اجتماعی**

روزی امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) وارد اتاق مادرش، حضرت زهرا(علیها السلام) گردید، دید که مادرش در حال رکوع نماز است و برای مردها و زن‌های مومن با ذکر نشانان دعا می‌کند. گوش کرد، که دید مادرش فقط برای دیگران دعا می‌نماید و برای خویش، هیچ دعائی نمی‌فرماید، جلو آمد و اظهار داشت: ای مادر! چرا مقداری دعا برای خودت دعائی کنی همان طوری که برای دیگران دعا می‌نمائی؟ حضرت زهرا(سلام‌الله علیها) پاسخ داد: ای فرزندم! اول ما باید به فکر نجات همسایه باشیم و سپس برای خود تلاش و دعا کنیم.<sup>(۱)</sup> و در حدیثی وارد شده است که: دعای مومن در حق دیگران مستجاب می‌شود و موقی که انسان در حق دیگران و برای دیگران دعا کند، ملائکه الهی برای او دعا خواهند کرد، که حتما، دعای مستجاب خواهد شد.

### ۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱ پرسش و پاسخ

### الگوی رفتار با فرزندان

**پرسش:**
**سبیره عملی حضرت فاطمه(زهرا(ع) و سبک زندگی آن حضرت در رابطه با تربیت فرزندان از چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برخوردار بود؟**

۱- سیره رفتار فاطمه(س) با فرزندان خود نیز سرمشقی مناسب برای تربیت صحیح فرزندان است.ایشان به فرزندان احترام می‌گذاشتند و آنها را با احترام خطاب می‌کردند و همیشه سعی در آموزش و تربیت دینی و اخلاقی آنها داشتند.

در حدیث شریف کساء، حضرت فاطمه(س) در پاسخ سلام فرزند خود امام حسن(ع) می‌فرماید: سلام برتوای نور دیده‌ام و میوه دلم.

و در پاسخ سلام امام حسین(ع) می‌فرماید: سلام بر توای فرزند من وای نور دیده‌ام و میوه دلم.

۲- حضرت زهرا(س) فرزندان خود را همیشه برای یادگیری و تعلیم و تزکیه آماده می‌کرده؛ به عنوان مثال به فرزندش حسن(ع) می‌فرمود: «به مسجد برو، آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن.»

۳- حضرت فاطمه(س) در عین حال شادی و خوشحالی را در بیت خود تسری می‌داد و این تا حدی بود که از بازی با کودکان که نقش سبزی در تربیت آنها دارد اجتناب نمی‌نمود. نقل شده است که فاطمه(س) فرزندش حسن(ع) را روی دست می‌گرفت و بالا می‌نذاخت و حرکت می‌داد و می‌فرمود: ایسباب یک یاحسن، و اخلع عن الحق الرّسن، و اعبد الها دامنن، و لا تاول ذا الاحسن. ای حسن، نظیر پدرت باش و ریسمان ظلم از حق دور کن، و خداوندی را که صاحب نعمت‌هاست پرستش کن و با افراد تیره دل دوست مباش.

۴- ایشان همیشه رسیدگی به فرزندان را در اولویت قرار می‌داد. سلمان می‌گوید: روزی فاطمه(زهرا(س) را دیدم که مشغول آسباب بود. در این هنگام فرزندش حسین گریه می‌کرد. عرض کردم: برای کمک به شما آسباب کنم یا بیچه آرام نامیم؟ ایشان فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم، شما آسباب را بچرخانید.

۵- همچنین از نکات بارز حضرت زهرا(س) در تربیت فرزندان سبک عملی تشویق به عبادت برای آنها بود. مسلماً وقتی والدین الگوی عملی کودکان برای عبادت پروردگار باشند، در آینده و بزرگ سالی آنها نیز به تأسی از والدین راه را پیش خواهند برد.

جمعه در محراب عبادت تادم که به عبادت و نماز مشغول است، او پیوسته به رکوع و سجود مشغول بود که شب به پایان رسید.

آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری فرا می‌خواند، حضرت در روز بچه‌ها را می‌خواند تا استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین گونه نماندند و موقهیت بهتری برای شب زنده داری داشته باشند.ایشان نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می‌فرمود: محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند.

۶- از نکات دیگر تربیتی ایشان عدالت در توجه به کودکان بود. آمده است روزی امام حسن(ع) نزد پیامبر(ص) آمد و اظهار تشنگی کرد. رسول خدا(ص) برخاست، ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود مقداری ششیر دوشید و به امام حسن(ع) داد. فاطمه زهرا(ص) به پیامبر(ص) گفت: گویا حسن برای شما عزیزتر از حسین است. پیامبر(ص) فرمود: نه، هر دو برایم عزیز و محبوبند ولی چون اول حسن تقاضای آب کرد او را مقدم داشتم.

منبع: یادگاہ اطلاع‌رسانی حوزه

### سلوک عرفانه

### زن در سیر الی‌الله اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست

(بدان ای سالک راه خدا!) روز ولادت سرتاسر سعادت صدیقی طاهره که والترین روز برای انتخاب روز زن است... این ولادت با سعادت در زمان و محیطی واقع شد که زن به عنوان یک انسان مطرح نبود و وجود او موجب سرفراکندگی خاندانش در نزد اقوام مختلف جاهلیت به شکل محیط فاسد و وحشت‌زایی، پیامبر بزرگ اسلام دست زن را گرفت و از منجلاط عنات جاهلیت، نجات بخشید... این مولود شریف است، تا نشان دهد که زن بزرگی ویژه‌ای در جامعه‌ای دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.<sup>(۱)</sup>

۱- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۱۶

### صفحه معارف روز‌های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۹۱۹۹۱ – ۰۲۳۲۱۰۲۳۲۱ Maaref@kayhan.ir